دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۵ ■ ۱۹ صفر ۱۴۴۸ ■ ۳ August ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۵۲۲ ■ قیمت: ۱۰ هزار تومان

فرا رسیدن اربعین حسینی
بر عاشقان سوگوار سیدالشهدا تسلیت باد

نبض اقتصاد را در دست بگیرید
چارسوق

با تداوم بستن تنگه هرمز و برای اولین بار در تاریخ رقم خورده است؛

ضربه مستقیم سپاه به اقتصاد آمریکا

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تداوم بسته نگاه داشتن تنگه هرمز طی هفته‌های اخیر، به طور مستقیم ضربه کاری و اساسی به اقتصاد آمریکا وارد کرده است.

شاخص‌های مهم اقتصادی آمریکا از نرخ تورم تا رشد اقتصادی، از قیمت بنزین تا ذخایر استراتژیک نفت و همچنین کسری بودجه دولت به علت افزایش نرخ بهره اوراق قرضه، همگی تحت‌الشعاع بسته ماندن تنگه استراتژیک هرمز قرار گرفته‌اند. تنگه هرمز به علت آنکه مسیر عبور ۲۰ تا ۳۰ درصد نفت و گاز صادراتی جهان است، به شدت بر بازارهای انرژی دنیا اثرگذار است و بسته شدن آن توسط سپاه پاسداران به علت تجاوزات آمریکا علیه کشورمان، سبب شده اقتصاد آمریکا به شدت تحت تاثیر قرار بگیرد.

با مسدود ماندن تنگه هرمز، قیمت نفت در بازارهای جهانی افزایشی شده، ذخایر استراتژیک نفت آمریکا به نقطه بحرانی رسیده، انتظارات تورمی در اقتصاد آمریکا همچنان صعودی مانده، نرخ اوراق قرضه آمریکا رکورد زده، قیمت بنزین همچنان رو به افزایش است، نرخ تورم بسیار بالاتر از هدف بانک مرکزی آمریکا است و رشد اقتصادی این کشور هم نزولی شده است.

تمامی این اتفاقات، ناشی از بسته ماندن تنگه هرمز است که به‌طور دومینووار اقتصاد آمریکا را تحت تاثیر قرار داده است. به همین دلایل است که ترامپ تمام تلاش خود را می‌کند تا ایران را به بازکردن تنگه هرمز مجاب یا مجبور کند اما این‌بار، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با قدرت جلوی ترفندهای مکارانه آمریکا ایستاده و تنگه هرمز را بسته نگاه داشته است.

کارشناسان معتقدند اگر تنگه هرمز طی هفته‌های آینده بسته بماند، ضربات کاری‌تری به اقتصاد آمریکا وارد خواهد آمد و معادلات کاملا تغییر خواهد کرد.

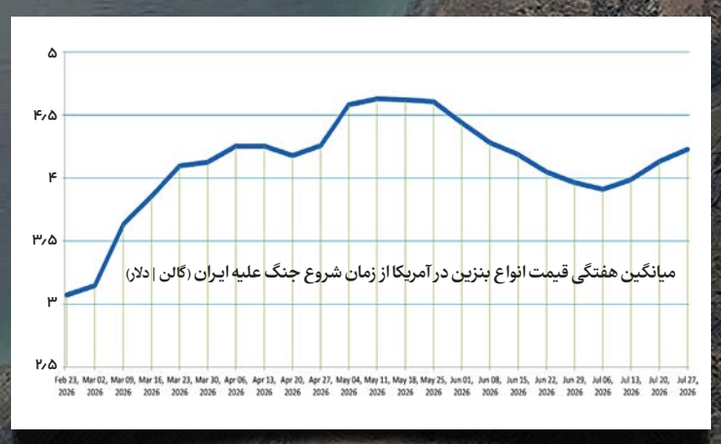

بنزین

قیمت بنزین در آمریکا از زمان شروع جنگ علیه ایران، به علت افزایش قیمت نفت ۴۰ درصد گران شده و از حدود ۳ دلار به ۴٫۲ دلار افزایش یافته است. قیمت بنزین، مهمترین شاخص اقتصادی نزد خانوارهای آمریکایی برای قضاوت درباره عملکرد دولت‌ها است.

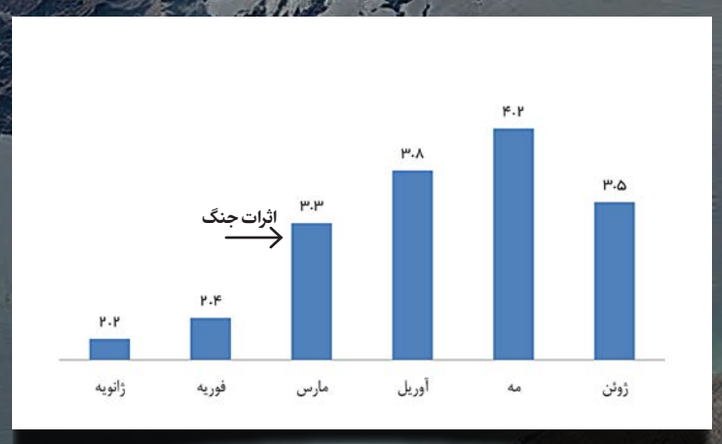

نرخ تورم

نرخ تورم در آمریکا تا قبل از شروع جنگ علیه ایران، زیر ۳ درصد بود اما در ماه‌های اخیر به علت افزایش انتظارات تورمی، به بالای ۳ درصد رسیده است.

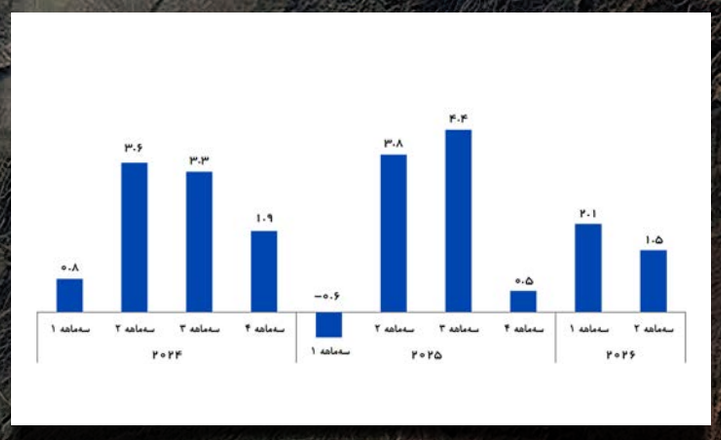

رشد اقتصادی

به علت تبعات جنگ علیه ایران خصوصا بسته شدن تنگه هرمز و ضررهایی که بازارهای مختلف آمریکا با آن مواجه شده‌اند، رشد اقتصادی آمریکا از هدف بانک مرکزی این کشور که ۳ درصد بود، عقب مانده است و در سه ماهه دوم ۲۰۲۶ به ۱٫۵ درصد تنزل پیدا کرده است.

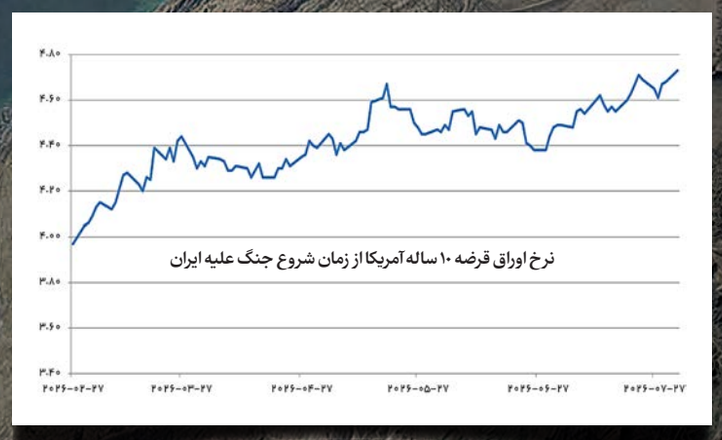

نرخ اوراق قرضه

نرخ بهره اوراق قرضه آمریکا از زمان شروع جنگ علیه ایران به علت افزایش انتظارات تورمی نزدیک یک واحد افزایش یافته و به ۴٫۷ درصد رسیده است. این میزان افزایش نرخ بهره اوراق، موجب تحمیل هزینه اضافی ۲۷۰ میلیارد دلاری به دولت آمریکا فقط طی یک سال آینده برای بازپرداخت اوراق سررسید شده خواهد شد.

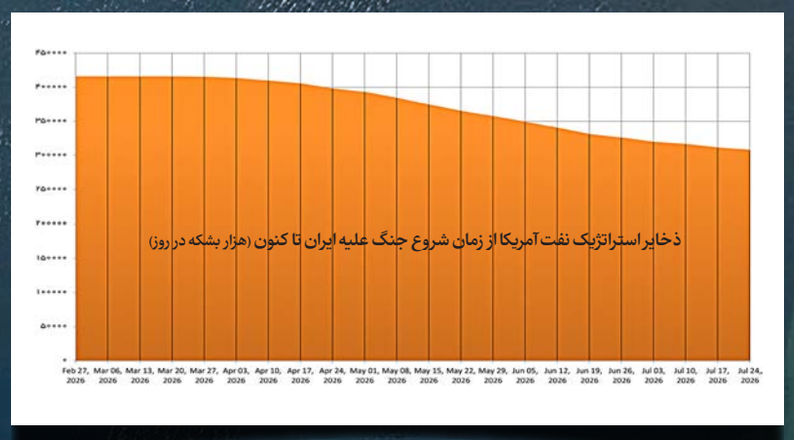

ذخایر استراتژیک نفت

دولت ترامپ از زمان تجاوز نظامی علیه ایران، برای جلوگیری از افزایش شدید قیمت نفت شروع به آزادسازی ذخایر استراتژیک نفت این کشور کرد. اکنون که دوباره تنگه هرمز توسط سپاه بسته شده، ذخایر استراتژیک نفت آمریکا به نقطه بحرانی ۳۰۰ میلیون بشکه سقوط کرده است و دولت آمریکا این بار توان کافی برای مداخله در بازار نفت در صورت تداوم مسدود ماندن تنگه هرمز نخواهد داشت.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۵ ■ سال دوم ■ شماره ۵۲۲

خبر

عقب‌نشینی ترامپ از یک بلوف دیگر

در حالی که دونالد ترامپ تا روزهای گذشته با انتشار پیام‌های متعدد در شبکه اجتماعی از احتمال حمله نظامی گسترده به ایران سخن می‌گفت و بر تهدیدهای خود علیه جمهوری اسلامی تأکید داشت، صبح یکشنبه به‌طور ناگهانی اعلام کرد که این حمله را لغو کرده است. رئیس جمهور آمریکا در ادامه، با تکرار ادعاهای همیشگی خود، مدعی شد که ایران و برخی کشورهای منطقه خواستار توقف هرگونه اقدام نظامی در چارچوب توافقی شده‌اند. این تغییر موضع در شرایطی رخ داد که طی روزهای اخیر، جمهوری اسلامی ایران با افزایش آمادگی‌های دفاعی، ارسال پیام‌های آشکار بازدارنده و تأکید مقامات ارشد کشور بر پاسخ قاطع و متناسب به هرگونه تجاوز، نشان داده بود که هر اقدام علیه منافع و امنیت ملی ایران با هزینه‌ای سنگین برای طرف مقابل همراه خواهد بود.

داستان تکراری ترامپ: حمله به ایران را لغو کردم

دونالد ترامپ به سبک تکراری خود ادعا کرد که ایران و کشورهای غرب آسیا از او خواسته‌اند حمله گسترده به ایران را لغو کند و او نیز پذیرفته است. دونالد ترامپ که تا روز شنبه زبان به تهدیدات سهمگین و گسترده علیه ایران باز کرده بود و مرتب پست‌هایی از خود منتشر می‌کرد، در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت که «حمله به ایران را لغو کرده است».

او در ابتدا برای حفظ آبروی ارتش آمریکا به دلیل عقب‌نشینی‌های مکرر خود، به تعریف و تمجید از آن چه توانمندی بی‌نظیر آمریکا توصیف کرد، پرداخت و نوشت: «ایالات متحده آمریکا آماده و مجهز به سلاح است تا علیه جمهوری اسلامی ایران، در سطوحی از ترور نظامی، قدرت و صلابت که از زمان جنگ جهانی دوم دیده نشده است، اقدام کند». ترامپ اما بلافاصله با تکرار ادعاهای پیشین خود، مدعی شد: با وجود این، ایران و سایر کشورهای خاورمیانه از ما خواسته‌اند که هرگونه حمله‌ای را در چارچوب توافق نامه‌ای که مورد توافق قرار گرفته است، متوقف کنیم».

او سپس با کنار هم قرار دادن لیست آرزوهای خود، ادعا کرد که طبق تفاهمنامه، باید تنگه هرمز فوراً و کامل بازگشایی شده و «تهدید هسته‌ای ایران پایان یابد». رئیس جمهور آمریکا در ادامه پریشان گویی خود، افزود: «براساس این درخواست، من برای منافع آینده جهان و همچنین بقای یک ایران موفق و مرفه، موافقت کرده‌ام که حمله را لغو کنم، مشروط بر اینکه بتوانم به سرعت به توافق نامه‌ای دست یابم». ترامپ در پایان ادعا کرد که رژیم صهیونیستی نیز به تعهد او برای خودداری از حمله به ایران پیوسته است.

دیپلماسی لبه پرتگاه و بازی تکراری ترامپ

این الگو که در ادبیات سیاسی و رسانه‌ای به «دیپلماسی لبه پرتگاه» یا استراتژی «تهدید و عقب‌نشینی» مشهور شده، یکی از تاکتیک‌های برجسته ترامپ از زمان آغاز جنگ رمضان بوده است.

الگویی که دیگر برای تمامی جهان تکراری و آشنا است؛ به طوریکه بارها دست‌مایه طنز سیاسی در آمریکا شده و همزمان بسیاری از تحلیلگران آمریکایی چنین رفتاری را نشانه‌ای آشکار از تنگنای راهبردی دولت ترامپ در قبال جنگ ایران می‌دانند. او تاکنون چهار بار این چرخه (تهدید به حمله سنگین، ادعای درخواست میانجی گری یا التماس طرف ایرانی و لغو یا تعویق حمله) را به‌طور رسمی تکرار کرده است. آن هم به این امید واهی که شاید ایرانی‌ها از روی ترس پای میز مذاکره آمده و امتیازات مدنظر آمریکا را بدهند. در این مورد نیز رئیس جمهور آمریکا در حالی ادعا دارد که از سر لطف حمله به زیرساخت‌های انرژی ایران را متوقف کرده است که طی روزهای گذشته مقامات سیاسی و نظامی ایرانی بارها هشدار داده بودند که هرگونه تعرضی به این زیرساخت‌ها، عمل متقابل و شدید نیروهای مسلح ایران را در پی خواهد داشت.

تأخیر در پرداخت مطالبات گندمکاران کشور را ناچار به واردات می‌کند

عضو کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس با تأکید بر مناسب بودن تولید گندم در سال جاری، گفت: دولت باید هرچه سریع‌تر مطالبات گندمکاران را پرداخت کند، زیرا ادامه این روند می‌تواند موجب خروج گندم از چرخه خرید تضمینی و درنهایت نیاز کشور به واردات این محصول راهبردی شود.

محمد جلالی عضو کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس شورای اسلامی با اشاره به وضعیت مناسب تولید محصولات کشاورزی در سال جاری از جمله گندم به عنوان کالای استراتژیک، گفت: بارندگی‌های امسال نسبت به سال‌های گذشته مطلوب‌تر بوده و همین موضوع موجب افزایش تولید محصولات زراعی به‌ویژه گندم شده است.

عضو کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس شورای اسلامی افزود: با وجود شرایط مناسب تولید، دولت باید سازوکار پرداخت مطالبات گندمکاران را هرچه سریع‌تر فراهم کند، زیرا کشاورزان پس از تحویل محصول خود نباید برای دریافت مطالباتشان ماه‌ها منتظر بمانند.

وی ادامه داد: متأسفانه دولت در پرداخت بهای گندم خریداری شده عقب است و در برخی مناطق هنوز پرداخت‌ها آغاز نشده است. این مسئله موجب می‌شود گندم از چرخه مدیریت دولت خارج شود و چه بسا چند ماه بعد، به دلیل همین ناهماهنگی‌ها، دولت ناچار به واردات گندم شود.

جلالی با تأکید بر اینکه گندم اساسی‌ترین کالای راهبردی کشور است، خاطرنشان کرد: پرداخت به‌موقع مطالبات گندمکاران علاوه بر حمایت از تولیدکنندگان، امنیت غذایی کشور را نیز تضمین می‌کند و باید در اولویت دولت قرار گیرد.

افزایش قیمت بنزین، ترامپ را در آستانه بحران سیاسی قرارداد

گزارش

در حالی که ماه‌ها از شروع درگیری‌های نظامی میان آمریکا و ایران می‌گذرد، قیمت بنزین در ایالات متحده دوباره سر به فلک کشیده و از مرز ۴ دلار برای هر گالن عبور کرده است. اما این بار قصه فرق می‌کند.

در موج قبلی گرانی، بسیاری از آمریکایی‌ها با پولی که دولت زیر عنوان «بازپرداخت مالیاتی» به حسابشان ریخته بود، توانستند تا حدی هزینه‌های سوخت را تحمل کنند. ولی حالا دیگر خبری از آن پول‌های اضافه نیست و مردم باید با پس‌اندازشان یا با کم کردن از خرج‌های دیگر، بنزین ماشینشان را تأمین کنند. موضوعی که نه‌تنها زندگی روزمره را سخت‌تر کرده، بلکه به یک بمب ساعتی سیاسی برای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای تبدیل شده است.

گرانی اول؛ یک نفس‌گیری کوتاه با پول بازپرداخت مالیاتی

بلومبرگ، خبرگزاری معروف اقتصادی، در تحلیلی جدید نشان داده که بعد از شروع جنگ، قیمت بنزین در آمریکا بیش از ۵۰ درصد بالا رفت و در ماه می (اواخر بهار) به اوج ۴.۵۶ دلار رسید. هر چند بعداً تا حدودی پایین آمد، اما با تازه‌شدن درگیری‌ها در غرب آسیا، دوباره قیمت‌ها به بالای ۴ دلار برگشت.

جالب اینجاست که در آن موج اول، مصادف شد با واریز پول بازپرداخت مالیاتی که میانگین آن نزدیک به ۳۲۷۶ دلار بود و به مردم کمک کرد تا فشار گرانی را یک‌طرفه کنند. حالا اما آن مهلت تمام شده و دست مردم برای مقابله با این تورم جدید، خالی است.

آخر خط برای پول‌های پس‌انداز؛ مردم به دیوار خورده‌اند

شاید مهم‌ترین بخش این ماجرا، پایان یافتن فصل دریافت بازپرداخت‌های مالیاتی باشد. دیگر خانواده‌های آمریکایی نمی‌توانند روی آن پول‌های از پیش‌بینی‌نشده حساب کنند. در چنین شرایطی، اگر بخواهند با قیمت بنزین کنار بیایند، چاره‌ای ندارند جز اینکه از پول‌های پس‌انداز خود بردارند یا از خرج‌های دیگر مثل تفریح، پوشاک یا حتی خوراک بزنند. همین حالا هم که قیمت مواد غذایی و اجناس اساسی سرسام‌آور شده، این گرانی جدید، کمر خانواده‌های متوسط را بیشتر خم کرده است.

تیم کویلان، یکی از اقتصاددانان ارشد آمریکا، در این باره به بلومبرگ گفته که مصرف‌کننده آمریکایی تا الان شجاعانه در برابر این شوک‌ها ایستاده، اما اگر جنگ ادامه پیدا کند، دیگر راهی برای تأمین هزینه‌های اضافی باقی نمی‌ماند و مردم مجبور می‌شوند اولویت‌های خرج کردن خود را کاملاً عوض کنند.

آمارها هم این حرف را تأیید می‌کند. هرچند که در سه‌ماهه دوم سال، مخارج مصرفی رشد خوبی داشته، اما نرخ پس‌انداز مردم در ماه ژوئن (اوایل تابستان) به پایین‌ترین سطح خود از سال ۲۰۲۲ رسیده است. این یعنی مردم دیگر چیزی برای خرج کردن ندارند و اگر قیمت بنزین باز هم بالا برود، باید از بسیاری از کالاهای ضروری هم دست بکشند.

فقط نفت گران نشده؛ پالایشگاه‌ها هم دست به کار شده‌اند

جالب است بدانیم که گرانی بنزین در آمریکا فقط به خاطر بالا رفتن قیمت نفت خام نیست. بخشی از ماجرا به خود پالایشگاه‌ها برمی‌گردد. بلومبرگ توضیح داده که ذخایر سوخت در آمریکا پایین آمده و از طرفی، پالایشگاه‌ها ترجیح می‌دهند به جای بنزین، سوخت دیزل و هواپیما تولید کنند چون در بازار جهانی پول‌سازتر است. همین موضوع باعث شده که قیمت بنزین در جایگاه‌های سوخت، حتی با وجود نوسانات قیمت نفت، در سطح بالایی باقی بماند.

اولیور آلن، کارشناس ارشد اقتصادی، هم هشدار داده که اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، دیگر نمی‌توان انتظار داشت مردم همانند قبل خرج کنند و دیر یا زود، اقتصاد آمریکا به جایی می‌رسد که مصرف‌کننده‌ها مجبور به کم‌خرجی می‌شوند.

بُعد سیاسی قضیه؛ مردم عصبانی‌اند و تقصیر را به گردن ترامپ می‌اندازند

اما این ماجرا فقط یک بحران اقتصادی نیست؛ یک تهدید سیاسی بزرگ هم برای ترامپ محسوب می‌شود. در آمریکا، قیمت بنزین یکی از دم‌دست‌ترین چیزهایی است که مردم هر روز با آن سروکار دارند و هر وقت گران می‌شود، همه نگاه‌ها به سمت کاخ سفید می‌چرخد. مردم به سادگی قیمت بنزین را با عملکرد رئیس جمهور قاطی می‌کنند و این برای هر دولتی خطرناک است.

لورل هاربریج-یونگ، استاد علوم سیاسی دانشگاه نورث‌وسترن، به بلومبرگ گفته که رأی‌دهندگان آمریکایی خیلی سرراست قضیه را به گردن رئیس جمهور می‌اندازند و این یعنی اگر قیمت بنزین پایین نیاید، جمهوری‌خواهان در انتخابات نوامبر (آبان-آذر) ضربه سختی خواهند خورد. نظرسنجی تازه دانشگاه کوئینیپیاک هم نشان می‌دهد که تنها ۳۲ درصد از مردم از ترامپ حمایت می‌کنند و ۷۳ درصد شرکت‌کنندگان گفته‌اند که ترامپ مسئول اصلی گرانی بنزین است.

همه‌چیز به پایان جنگ بستگی دارد

در مقابل این موج انتقادها، دولت آمریکا همچنان سعی دارد آرامش را حفظ کند. مقامات کاخ سفید می‌گویند که سیاست‌های بلندمدتی برای ثبات اقتصادی دارند و معتقدند اگر بتوانند جنگ با ایران را تمام کنند، قیمت نفت حتماً پایین می‌آید. خود ترامپ هم در یکی از سخنرانی‌های انتخاباتی اخیرش به مردم گفته که صبور باشند و به او فرصت بدهند، چون به زودی قیمت نفت حتی از قبل از جنگ هم کمتر می‌شود. اما با توجه به آمار و ارقام و خالی شدن جیب مردم، به نظر می‌رسد که حرف‌ها و وعده‌ها، این بار چندان خریداری ندارد و کارت‌های اعتباری و حساب‌های بانکی مردم، دیگر حرف اصلی را می‌زنند.

> **اولیور آلن، کارشناس ارشد اقتصادی، هم هشدار داده که اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، دیگر نمی‌توان انتظار داشت مردم همانند قبل خرج کنند و دیر یا زود، اقتصاد آمریکا به جایی می‌رسد که مصرف‌کننده‌ها مجبور به کم‌خرجی می‌شوند**

ادغام ایروان در محورهای رقیب ایران؛

رقابت ژئواکونومیکی قفقاز در فاز جدید

همکاری ارمنستان در کریدورهای شرقی-غربی موجب نزدیکی این کشور به محور آتلانتیکی شده است و این امر پیامدهای جدی بر روابط آن با تهران و مسکو دارد؛ از همین رو ایران با تقویت کریدورهای شمالی-جنوبی و توسعه بندر چابهار می‌تواند تأثیر آن را تا حدودی کاهش دهد.

در ماه‌های اخیر تغییر رویکرد ارمنستان در سیاست خارجی به یکی از موضوعات مهم در قفقاز جنوبی تبدیل شده است. اهمیت این منطقه در سال‌های اخیر به دلیل افزایش ژئواکونومیکی آن به‌ویژه در حوزه کریدورها تجاری و انرژی دوچندان شده و از همین رو توجه قدرت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای به‌ویژه ایالات متحده را به خود جلب کرده است.

از سوی دیگر، دولت ارمنستان پس از شکست در جنگ دوم قره‌باغ و واگذاری منطقه به جمهوری آذربایجان سطح روابط خود با مسکو را تقلیل و روی به غرب آورده است. این امر پرسش‌های بسیاری در مورد چشم‌انداز منطقه و ارمنستان را مطرح می‌کند که می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی عمیقی داشته باشد. این همکاری به‌ویژه در موضوع کریدور «زنگزور/ترامپ» و گسترش همکاری‌های معدنی با ایالات متحده نمود بیشتر دارد. باید توجه داشت که این همکاری در مرز ایران و همچنین حیاط خلوت روسیه می‌تواند پیامدهای جدی برای منطقه داشته باشد.

از تریپ تا معدن

دولت ارمنستان با وجود ارتباط نزدیک اقتصادی و امنیتی با روسیه و ایران خود را در بزنگاه تاریخی برای تداوم این رابطه می‌بیند. این کشور در سال‌های اخیر شرایط نامناسب اقتصادی را تجربه کرده که دلیل اصلی آن انسداد مرزها از سوی ترکیه، آذربایجان و برخی مشکلات با گرجستان است. درواقع، تنها مرز زمینی باز و اقتصادی این کشور با ایران است که این امر توانسته بخشی از مشکلات اقتصادی این کشور را تعدیل کند. با این وجود، بر اساس استدلال دولت پاشینیان، روند تحولات به گونه‌ای است که باید جایگاه ارمنستان در تجارت منطقه‌ای به‌ویژه کریدورهای تجاری را بازتعریف کند که ابتکار «چهارراه صلح» در پاسخ به این امر طراحی شده است. در سال‌های اخیر، به دلیل انسداد مرزهای این کشور با جمهور آذربایجان و ترکیه تقریبا از همه پروژه‌های تجاری و انرژی منطقه حذف شده و خطوط لوله انتقال نفت و گاز و نیز راهگذرهای مانند مسیر میانی با دور زدن ایروان از گرجستان به ترکیه و سپس اروپا متصل می‌شوند.

این امر باعث حذف ارمنستان از مسیرهای ترانزیتی و کاهش درآمدهای ارزی آن شده که درنهایت، در وضعیت اقتصادی این کشور بازتاب می‌یابد. از همین رو و براساس استدلال دولت ایروان، باید روابط خود با کشورهای منطقه و فرامنطقه را بازتعریف کرد تا راهی برای خروج از این شرایط اقتصادی ایجاد شود. حمایت از کریدور TRIPP و همچنین همکاری در حوزه معادن با ایالات متحده در این راستا قابل توضیح است.

به باور کارشناسان، روی دیگر این همکاری به‌ویژه در پرونده TRIPP ورود مباحث امنیتی است، زیرا پیامدهای این همکاری احتمالاً فراتر از عبور یک مسیر از جنوب ارمنستان است. به نظر می‌رسد ایالات متحده این مسیر را نه صرفاً یک پروژه ترانزیتی، بلکه جای پایی برای شکل‌دهی به یک ساختار اقتصادی جدید می‌داند که دامنه آن از ارمنستان فراتر رفته و سراسر قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی را دربر می‌گیرد.

هفته گذشته، دولت آمریکا آغاز روند تصویب توافقنامه چارچوب TRIPP را تأیید کرد. این سند اول ژوئن به امضای آرارات میرزویان، وزیر امور خارجه ارمنستان و مارکو روبیو، وزیر امور خارجه ایالات متحده رسید. هم‌زمان، پارلمان ارمنستان نیز خود را برای تصویب این توافقنامه آماده می‌کند. بر اساس مفاد این توافق، قرار است یک شرکت مشترک با نام شرکت توسعه TRIPP تأسیس شود. در این ساختار، شرکت مالی توسعه بین‌المللی ایالات متحده ۷۴ درصد سهام کنترلی را در اختیار خواهد داشت و سهم ارمنستان ۲۶ درصد خواهد بود.

همچنین اخیراً خبرهایی از توافق احتمالی را می‌توان در معامله مربوط به معدن مس-مولیبدن «تغوت»، دومین ذخایر بزرگ از این نوع در ارمنستان نیز منتشر شده است. این دارایی به شرکت آمریکایی Dynamic Frontier Holdings فروخته شد که ریاست آن بر عهده کنستانتین سوکولوف، سرمایه‌گذار آمریکایی متولد روسیه است. سوکولوف اخیراً توسط وزارت امور خارجه ایالات متحده برای «نظارت» بر صندوق اجرا و توسعه مسیر ترامپ نیز منصوب شده است. توسعه بخش معدن نیز برای ایروان از اهمیت راهبردی برخوردار است. معدن تقریباً یک‌سوم از تولید صنعتی ارمنستان و بین ۴ تا ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. کالاهای کلیدی شامل مس، مولیبدن، طلا، نقره، آنتیموان و روی هستند. بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، ارزش صادرات مس، مولیبدن و طلا بیش از دو برابر شده و از ۷۰۰ میلیون دلار به ۱.۲ میلیارد دلار رسیده است. این مسیر نشان می‌دهد که چگونه بخش معدنی ارمنستان نه فقط یک صنعت داخلی، بلکه پلی به بازارهای جهانی نیز است.

بر اساس برآوردها، اگر اصلاحات و نوسازی بخش معدن ارمنستان ادامه یابد، می‌تواند سهم آن در تولید ناخالص داخلی را تقویت و اهمیت ایروان در زنجیره تأمین جهانی را تقویت کند. این امر نیازمند جذب سرمایه‌گذاری خارجی است که به نظر می‌سرد دولت پاشینیان را به سمت همکاری با ایالات متحده و اروپا سوق داده است.

انتخاب سخت

تغییر مسیر سیاست خارجی ارمنستان از شرق به غرب، البته می‌تواند پیامدهای جدی برای اقتصاد و امنیتی این کشور داشته باشد؛ به طوری که اکنون بحث‌ها معطوف به برگزاری همه‌پرسی بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و اتحادیه اروپا شده که می‌تواند تاثیرات عمیقی بر تحولات منطقه حساس قفقاز داشته باشد. در حوزه اقتصاد، پرسش اصلی این است که آیا بازارهای اتحادیه اروپا می‌توانند جایگزین عملکردهای اقتصادی فعلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا شود یا خیر؟ طبق داده‌های تجاری سال ۲۰۲۵، اتحادیه اروپا حدود ۱۱.۸ درصد از کل تجارت خارجی ارمنستان را به خود اختصاص داده اما روسیه با جذب حدود ۳۵.۳ درصد از صادرات، همچنان بزرگترین بازار صادراتی ارمنستان باقی است.

عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا به صادرکنندگان ارمنی امکان دسترسی به فضای گمرکی مشترک با موانع تعرفه‌ای صفر و رویه‌های اداری ساده را می‌دهد. برای بسیاری از شرکت‌های داخلی، بازار روسیه لنگر ساختاری است که تولید، لجستیک، بسته‌بندی و صدور گواهینامه حول آن سازمان‌دهی شده‌اند. تغییر ناگهانی جهت‌گیری، صادرکنندگان را مجبور می‌کند تا هزینه‌های سنگینی برای انطباق با مقررات فنی غربی، الزامات ایمنی مواد غذایی و استانداردهای بهداشت گیاهی متحمل شوند. همچنین باید توجه داشت که ارمنستان نزدیک به ۹۰ درصد گاز مصرفی را از روسیه دریافت می‌کند و در صورت بروز مشکل، باید به دنبال جایگزین‌های دیگر باشد که احتمالاً یکی از پیشنهادات دولت ترامپ یا اتحادیه اروپا، ادغام ارمنستان در خطوط لوله گاز صادراتی آذربایجان به اروپاست. از هم‌اکنون نیز بسیاری از مخالفان دولت و کارشناسان، نسبت به پیامدهای این امر به دولت پاشینیان هشدار می‌دهند؛ زیرا خطر ادغام جمعیتی ارمنستان در محور آذربایجان-ترکیه وجود خواهد داشت.

رویکرد ایران

به جرات می‌توان گفت که ایران تنها کشور با نفوذ در قفقاز است که ادعایی بر ارمنستان ندارد و برخلاف محور آذربایجان-ترکیه یا اروپا-آمریکا به دنبال ادغام ارمنستان یا بهره‌برداری موقتی از آن نیست. از همین رو تهران می‌تواند با رایزنی کشورهای منطقه در حوزه کریدورها و انرژی بخشی از مشکلات ایروان را تأمین کند. در سال‌های اخیر ایروان بارها تمایل خود به سرمایه‌گذاری در بندر چابهار و توسعه کریدور هند-ایران-ارمنستان را اعلام کرده است. مقامات حمل‌ونقلی سه کشور بارها نشست‌های رسمی در این راستا برگزار کرده‌اند که رایزنی سه طرف شامل کریدور بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC)، پروژه «چهارراه صلح» ارمنستان و استفاده بالقوه از بندر چابهار ایران و همچنین همکاری گسترده‌تر در تجار است. به باور کارشناسان، برای ارمنستان این همکاری سه‌جانبه فراتر از حوزه لجستیک است. ایروان که با مرزهای بسته با ترکیه و آذربایجان احاطه شده، در جستجوی تشکیل اتحادها و نقاط دسترسی جایگزین است. از همین رو با راه‌اندازی پروژه «چهارراه صلح» به دنبال معرفی خود به عنوان پل بین INSTC و جریان‌های تجاری منطقه‌ای است. درواقع ارمنستان با مشارکت هند و ایران، هم مخالفت خود با محور ترکیه-آذربایجان را نشان می‌دهد و هم آرزوی حفظ جایگاه خود در نقشه زیرساخت‌های در حال تغییر اوراسیا را دارد.

بنابراین تلاش‌های تهران و دهلی نیز برای حفظ ایروان در مدار خود بی‌تأثیر نخواهد بود. ایران به عنوان تنها مرز باز ارمنستان به سمت جنوب بوده و با توجه به مخالفت آن با کریدور زنگزور، تهران همگرایی تجاری با ایروان را نه فقط به عنوان عمل‌گرایی اقتصادی، بلکه یک ضرورت راهبردی نیز می‌بیند. در این میان ارمنستان از این منافع مشترک بهره‌برداری می‌کند و به دنبال تثبیت جایگاه خود در اتصالات ایران و همچنین تقویت موقعیت خود در برابر باکو است.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۵ ■ سال دوم ■ شماره ۵۲۲

اخبار

افزایش وام نهضت ملی مسکن به ۸۵۰ میلیون تومان کافی نیست

عضو کمیسیون عمران مجلس با بیان اینکه افزایش نرخ تسهیلات نهضت ملی مسکن به ۸۵۰ میلیون تومان، با توجه به تورم و افزایش بهای تمام‌شده ساخت، پاسخگوی نیاز دهک‌های پایین نیست، گفت: با احتساب قیمت تمام‌شده هر مترمربع، این مبلغ باید به حدود یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تا دو میلیارد تومان می‌رسید؛ در غیر این صورت این طرح با شکست مواجه خواهد شد.

حبیب قاسمی، عضو کمیسیون عمران و عضو هیات رئیسه کمیسیون اصل نودم مجلس شورای اسلامی، در خصوص افزایش سقف تسهیلات نهضت ملی مسکن به ۸۵۰ میلیون تومان، گفت: بر اساس قانون، شورای عالی مسکن سالانه و متناسب با شرایط اقتصادی، تورم و قیمت مصالح، مبلغ تسهیلات را تعیین می‌کند. این در حالی است که در ابتدای تصویب قانون جهش تولید مسکن، مبلغ اولیه ۵۰۰ میلیون تومان تعیین شد که در آن زمان بهای تمام‌شده هر مترمربع مسکن به طور میانگین زیر ۱۰ میلیون تومان بود. وی افزود: امروز با توجه به مصوبه اخیر شورای عالی مسکن و ابلاغ آن به بانک‌های عامل، در حالی شاهد افزایش این مبلغ از ۶۵۰ به ۸۵۰ میلیون تومان هستیم که میانگین بهای تمام‌شده ساخت هر مترمربع (بدون احتساب قیمت زمین) بیش از ۲۵ تا ۳۰ میلیون تومان برآورد می‌شود. قاسمی با تأکید بر تناسب نرخ تسهیلات با هزینه‌های ساخت، تصریح کرد: اگر بخواهیم تناسبی با قیمت‌های اولیه در نظر بگیریم، امروز این مبلغ باید به حدود یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تا دو میلیارد تومان افزایش یابد؛ بنابراین، ۸۵۰ میلیون تومان به هیچ وجه پاسخگوی نیاز متقاضیان نخواهد بود. عضو کمیسیون عمران مجلس با اشاره به اینکه غالب متقاضیان مسکن از دهک‌های پایین جامعه هستند، خاطرنشان کرد: این افراد حتی برای تأمین معاش اولیه خود با مشکل مواجه‌اند و توانایی پرداخت مابه‌التفاوت یک ملک ۱۰۰ متری که قیمتی حدود ۲.۵ تا ۳ میلیارد تومان دارد را ندارند. از این منظر، طرح نهضت ملی مسکن با این شرایط با ناکامی مواجه خواهد شد. وی با بیان اینکه در حال حاضر ۱۳۵ هزار واحد مسکن مهر از دولت‌های قبل باقی مانده و از ۸۵۰ هزار واحدی که بر اساس قانون جهش تولید مسکن ثبت‌نام کرده‌اند، کمتر از ۱۰ درصد به بهره‌برداری رسیده است، گفت: متأسفانه با گذشت دو سال از عمر دولت، هنوز بسیاری از این واحدها تکمیل نشده و ارزش پول متقاضیانی که پیش‌پرداخت داشته‌اند، به شدت کاهش یافته است؛ به گونه‌ای که با همان پول، امروز حتی ۵ مترمربع هم قابل خرید نیست. قاسمی جمع‌بندی کرد: با ۸۵۰ میلیون تومان که آن هم به صورت مرحله‌ای و منوط به پیشرفت فیزیکی پروژه پرداخت می‌شود، نه تنها مشکل مسکن حل نمی‌شود، بلکه به دلیل عدم توانایی متقاضیان در تأمین آورده، فرآیند ساخت نیز با اختلال مواجه می‌شود.

درجشنواره ملی مهارت و با مشارکت بانک تجارت و ایران‌کیش؛ «کیف پول مهارت» و «کاراکارت» رونمایی شد؛

مسیر اعتباری از آموزش تا اشتغال برای مهارت‌آموختگان

هم‌زمان با جشنواره ملی مهارت و با حضور محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور و احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از طرح‌های «کیف پول مهارت» و «کاراکارت» در چارچوب طرح ملی «مهارت تا اشتغال» رونمایی شد؛ دو ابزار مالی که با هدف تسهیل دسترسی به آموزش‌های تخصصی و تأمین اعتباری تجهیزات اشتغال، مسیر عملیاتی «یادگیری تا بازار کار» را تکمیل می‌کند. این مراسم با حضور هادی اخلاقی مدیرعامل بانک تجارت، حمزه آقابابایی مدیرعامل شرکت کارت اعتباری ایران‌کیش و غلامحسین محمدی معاون وزیر و رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور برگزار شد. این پلتفرم در قالب همکاری سه‌جانبه سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، شرکت کارت اعتباری ایران‌کیش و بانک تجارت طراحی و اجرایی شده و متقاضیان می‌توانند از طریق اپلیکیشن پات لایف و با بهره‌گیری از خدمات پرداخت اعتباری بانک تجارت، از این دو ابزار مالی استفاده کنند.

«کیف پول مهارت»؛ اعتبار برای آموزش‌های تخصصی و توانمندسازی

براساس سازوکار پیش‌بینی شده، سقف اعتبار «کیف پول مهارت» ۳۰ میلیون تومان تعیین شده است تا هزینه دوره‌های آموزشی، مهارتی و توانمندسازی متقاضیان را پوشش دهد. هدف از این بخش، کاهش موانع مالی پیش روی مهارت‌آموزان و کمک به دسترسی عادلانه‌تر به آموزش‌های کاربردی و تخصصی است.

«کاراکارت»؛ تأمین اعتباری تجهیزات راه‌اندازی کسب‌وکار

همچنین سقف اعتبار «کاراکارت» ۲۵۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است تا متقاضیان پس از گذراندن دوره‌های آموزشی و دریافت گواهی یا مدرک مهارتی، بتوانند تجهیزات و ملزومات مورد نیاز برای اشتغال و آغاز فعالیت حرفه‌ای خود را به‌صورت اعتباری تأمین کنند. این ابزار مالی با رویکرد حمایت از کارآفرینی و تسهیل ورود مهارت‌آموختگان به بازار کار طراحی شده است.

خرید اقساطی از مسیر دیجیتال؛ تکمیل زنجیره «آموزش تا اشتغال»

طبق فرآیند تعریف‌شده، متقاضیان واجد شرایط پس از تکمیل آموزش، می‌توانند تجهیزات اشتغال خود را از طریق فروشگاه‌ساز پات لایف تهیه کرده و هزینه آن را به‌صورت اقساطی و بدون نیاز به پرداخت نقدی پرداخت کنند؛ سازوکاری که عملاً زنجیره «آموزش، توانمندسازی و ورود به بازار کار» را تکمیل می‌کند و بستر مؤثری برای حمایت مالی از مهارت‌آموختگان فراهم می‌آورد.

گام نوین در توسعه خدمات مالی هوشمند و تقویت زیست‌بوم مهارت

این همکاری سه‌جانبه، گامی مؤثر در توسعه خدمات مالی هوشمند، تقویت زیست‌بوم مهارت و اشتغال، تسهیل دسترسی به آموزش‌های کاربردی و ایجاد بسترهای نوین برای توانمندسازی نیروی انسانی کشور به شمار می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در پیوند میان مهارت‌آموزی، اشتغال‌پذیری و توسعه کسب‌وکارهای خرد و متوسط ایفاء کند.

چرا شرکت‌های پیمانکار نمی‌روند؟

گزارش

با وجود تصویب آیین‌نامه جدید دولت برای ساماندهی نیروهای شرکتی، تداوم فعالیت شرکت‌های واسطه موجب شده انتظارات برای حل ریشه‌ای این پرونده همچنان برآورده نشود.

پس از سال‌ها وعده، رفت‌وآمد طرح‌های مختلف میان دولت و مجلس و انتظار صدها هزار نیروی شرکتی برای حذف شرکت‌های واسطه، هیات وزیران سرانجام آیین‌نامه «ساماندهی نظام پرداخت نیروهای شرکتی به‌کارگیری‌شده از طریق شرکت‌های پیمانکاری تأمین نیروی انسانی» را تصویب و ابلاغ کرد.

اگرچه دولت این مصوبه را گامی در مسیر شفاف‌سازی نظام پرداخت، کاهش هزینه‌های واسطه‌گری و افزایش نظارت بر قراردادهای تأمین نیروی انسانی معرفی می‌کند اما نخستین واکنش‌ها نشان می‌دهد این آیین‌نامه نتوانسته انتظارات ایجاد شده طی سال‌های اخیر را برآورده کند. دلیل این موضوع نیز روشن است؛ شرکت‌های پیمانکاری همچنان در ساختار جدید باقی مانده‌اند و همین مسئله، مهم‌ترین مطالبه نیروهای شرکتی و همچنین نمایندگان مجلس را بی‌پاسخ گذاشته است. البته باید روی این نکته تاکید کرد که رئیس سازمان اداری استخدامی معتقد است بدون مصوبه مجلس دولت، رأساً نمی‌تواند شرکت‌های پیمانکاری را حذف کند.

دولت چه تغییری ایجاد کرده است؟

آیین‌نامه جدید که به پیشنهاد سازمان اداری و استخدامی و در اجرای بند (الف) ماده ۱۰۶ قانون برنامه هفتم پیشرفت تدوین شده، در ظاهر چند تغییر مهم را در نظام قراردادهای تأمین نیروی انسانی ایجاد می‌کند.

نخست آنکه رقابت میان شرکت‌های پیمانکاری دیگر بر سر مبلغ کل قرارداد نخواهد بود و حق مدیریت یا سود آن‌ها به ۲ تا ۳ درصد ارزش قرارداد محدود می‌شود که دولت معتقد است می‌تواند سهم بیشتری از منابع مالی قرارداد را به حقوق و مزایای کارکنان اختصاص دهد. از سوی دیگر، همه دستگاه‌های اجرایی موظف شده‌اند قراردادهای تأمین نیروی انسانی را صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) منعقد کنند تا فرآیند انعقاد قراردادها شفاف‌تر شود. همچنین پیش‌بینی شده ظرف شش ماه آینده، شیوه‌نامه اعتبارسنجی شرکت‌های پیمانکاری تدوین شود و دستگاه‌های اجرایی فقط با شرکت‌هایی همکاری کنند که رتبه اعتباری لازم را کسب کرده باشند. در نگاه دولت، مجموعه این اقدامات می‌تواند بازار شرکت‌های تأمین نیروی انسانی را ساماندهی کرده، واسطه‌گری غیرضروری را کاهش دهد و نظارت بر عملکرد پیمانکاران را افزایش دهد.

مطالبه اصلی همچنان روی زمین مانده است

با وجود این اصلاحات، مهم‌ترین پرسش همچنان بدون پاسخ مانده است؛ آیا این همان ساماندهی وعده داده شده است؟ واقعیت آن است که طی چند سال گذشته، مطالبه نیروهای شرکتی هیچ‌گاه صرفاً اصلاح شیوه پرداخت حقوق یا محدود شدن سود پیمانکاران نبوده است. مطالبه اصلی، حذف شرکت‌های واسطه و ایجاد رابطه مستقیم میان کارکنان و دستگاه‌های اجرایی بود که بارها از سوی مجلس نیز مورد حمایت قرار گرفت.

اما آیین‌نامه جدید نه فقط این ساختار را حذف نکرده، بلکه اساس فعالیت شرکت‌های پیمانکاری را حفظ کرده است. البته تفاوت این است که دولت تلاش کرده چارچوب فعالیت آن‌ها را ضابطه‌مندتر کند. به همین دلیل، بسیاری از فعالان این حوزه معتقدند ساختار اصلی تغییر نکرده و فقط قواعد فعالیت همان ساختار قبلی اصلاح شده است.

مخالفت مجلس؛ اختلافی که همچنان پابرجاست

همین مسئله باعث شد کمیسیون اجتماعی مجلس بلافاصله پس از انتشار آیین‌نامه، مخالفت خود را اعلام کند. علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد مخالفت مجلس از همان روز نخست به معاون اول رئیس جمهور و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور ابلاغ شده است.

به گفته وی، اکثریت نمایندگان همچنان معتقدند راهکار اساسی، اجرای طرح ساماندهی کارکنان و حذف شرکت‌های واسطه است که به اعتقاد مجلس می‌تواند تبعیض در نظام پرداخت، رانت، واسطه‌گری و بی‌عدالتی میان کارکنان را کاهش دهد. درواقع اختلاف میان دولت و مجلس دیگر بر سر اصل ساماندهی نیست، بلکه بر سر نوع ساماندهی است؛ دولت از اصلاح ساختار موجود دفاع می‌کند اما مجلس حذف کامل واسطه‌ها را تنها راه‌حل می‌داند.

اصلاح تدریجی یا تغییر ساختاری؟

دولت احتمالاً با ملاحظات حقوقی، مالی و اجرایی ترجیح داده به جای حذف یکباره شرکت‌های پیمانکاری، ابتدا با محدود کردن سود، اعتبارسنجی شرکت‌ها و افزایش شفافیت، اصلاحات را به صورت تدریجی آغاز کند. این رویکرد البته می‌تواند بخشی از مشکلات موجود را کاهش دهد اما منتقدان معتقدند تا زمانی که رابطه استخدامی کارکنان از طریق شرکت‌های واسطه برقرار باشد، بخش مهمی از مشکلاتی مانند تفاوت در مزایا، امنیت شغلی، تبعیض و نارضایتی کارکنان همچنان پابرجا خواهد ماند.

اکنون با ابلاغ این آیین‌نامه، دولت وارد مرحله اجرا شده اما قضاوت درباره موفقیت یا ناکامی آن را باید به ماه‌های آینده موکول کرد. اگر اجرای این مصوبه بتواند سهم بیشتری از منابع قراردادها را به کارکنان اختصاص دهد، پرداخت‌ها را شفاف‌تر کند و تبعیض‌های موجود را کاهش دهد، شاید بخشی از انتقادها تعدیل شود اما اگر خروجی عملی آن صرفاً محدود شدن سود شرکت‌های پیمانکاری باشد، بعید است بتوان آن را پاسخی به مطالبه چندین ساله نیروهای شرکتی دانست.

در شرایط فعلی، آنچه بیش از همه به چشم می‌آید این است که انتظار بخش قابل توجهی از نیروهای شرکتی برای حذف شرکت‌های واسطه هنوز محقق نشده است. به همین دلیل نیز مخالفت مجلس با آیین‌نامه دولت را باید نشانه‌ای از ادامه این پرونده دانست، نه پایان آن. به نظر می‌رسد پرونده ساماندهی نیروهای شرکتی هنوز وارد فصل پایانی نشده و باید دید در ادامه، اجرای آیین‌نامه دولت تا چه اندازه می‌تواند رضایت کارکنان را جلب کند و آیا دولت درنهایت به سمت حذف شرکت‌های واسطه حرکت خواهد کرد یا ساختار فعلی با اصلاحاتی محدود به مسیر خود ادامه می‌دهد. درواقع، آزمون اصلی این آیین‌نامه نه در متن مصوبه، بلکه در نتایج اجرای آن و میزان کاهش نارضایتی نیروهای شرکتی مشخص خواهد شد.

آیین‌نامه جدید نیروهای شرکتی عملاً نظام پیمانکاری را حفظ می‌کند

آیین‌نامه جدید نیروهای شرکتی با وعده رسمی دولت تعارض دارد و عملاً نظام پیمانکاری را حفظ می‌کند.

سمیه گلپور، فعال کارگری طی یادداشتی درباره مصوبه شماره ۴۴۸۱۵ مورخ ۰۵/۰۵/۱۴۰۵ هیات وزیران در خصوص نظام پرداخت به نیروهای شرکتی گفت: مصوبه اخیر هیات وزیران درباره «نظام پرداخت به نیروهای شرکتی» در نگاه نخست ممکن است گامی در جهت کاهش بخشی از بی‌عدالتی‌های موجود در پرداخت دستمزد نیروهای پیمانکاری تلقی شود، اما با دقت در مفاد آن روشن می‌شود که این مصوبه، بیش از آنکه ناظر بر حذف واقعی شرکت‌های واسطه باشد، در پی تنظیم و سامان‌دهی نحوه تداوم فعالیت همان واسطه‌هاست. از این رو، این مصوبه را نمی‌توان پاسخی کافی و منطبق با مطالبه اصلی نیروهای شرکتی، یعنی برچیدن رابطه پیمانکاری و استقرار قرارداد مستقیم، دانست.

مهم‌ترین نکته مثبت این مصوبه را باید در پیش‌بینی واریز مستقیم حقوق و مزایای کارکنان در ماده ۳ دانست؛ حکمی که در صورت اجرای واقعی و بدون تبصره‌های محدودکننده، می‌تواند بخشی از تخلفات رایج در تأخیر پرداخت، برداشت‌های غیرشفاف و تضییع حقوق مزدی کارگران و کارکنان شرکتی را کاهش دهد. همچنین تعیین سقف سود برای شرکت‌های تأمین نیرو در ماده ۴، اگرچه محدود و ناکافی است، اما از حیث شفاف‌سازی هزینه‌های واسطه‌گری قابل توجه است. با این حال، این دو امتیاز نمی‌تواند ایراد بنیادی مصوبه را پنهان کند؛ زیرا مسئله اصلی نیروهای شرکتی، صرفاً نحوه پرداخت مزد نیست، بلکه اصل استمرار رابطه واسطه‌ای، ناامنی شغلی، تبعیض مزدی و محرومیت از رابطه استخدامی مستقیم با دستگاه‌های اجرایی است.

در همین چارچوب، ماده ۸ مصوبه از مهم‌ترین نقاط ضعف آن به شمار می‌رود. این ماده، به‌جای طراحی مسیری برای خاتمه تدریجی نظام پیمانکاری، صرفاً شرکت‌ها را مکلف می‌کند که سالانه سه درصد از تعداد نیروهای تحت پوشش خود بکاهند. چنین حکمی نه‌تنها حذف واقعی پیمانکار را تضمین نمی‌کند، بلکه می‌تواند به تفاسیر صوری، جابه‌جایی نیروها، برون‌سپاری مجدد یا حتی افزایش ناامنی شغلی بینجامد. کاهش عددی سالانه بدون تعیین تکلیف روشن برای تبدیل وضعیت یا انعقاد قرارداد مستقیم، در عمل به معنای حفظ استخوان‌بندی همان نظام واسطه‌ای است.

ابهام موجود در ماده ۵ نیز بر نگرانی‌ها می‌افزاید. در این ماده، فعالیت شرکت‌های تأمین نیرو در برخی حوزه‌ها مجاز شمرده شده، بی‌آنکه مرز دقیق میان امور تخصصی، پروژه‌ای، موقت و فعالیت‌های مستمر دستگاه‌ها به‌صورت شفاف و غیرقابل تفسیر مشخص شود. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که هرگاه چنین ابهام‌هایی در متون اجرایی باقی بماند، نتیجه آن گسترش دامنه تفسیر اداری و استمرار به‌کارگیری نیروهای انسانی در مشاغل مستمر از طریق شرکت‌های پیمانکاری خواهد بود؛ وضعیتی که دقیقاً منشأ بخش عمده نارضایتی نیروی کار شرکتی در کشور است. نکته‌ای که این مصوبه را با پرسش‌های جدی‌تری مواجه می‌کند، تعارض آشکار آن با وعده و دستور صریح ریاست محترم جمهوری در روز کارگر سال ۱۴۰۵ است. در آن مقطع، به‌صراحت بر ضرورت «جمع‌آوری و حذف شرکت‌های پیمانکاری» تأکید شد و این موضع، امید قابل توجهی در میان نیروهای شرکتی و خانواده‌های آنان ایجاد کرد. با این حال، متن مصوبه اخیر نه حذف شرکت‌های واسطه، بلکه تنظیم سهم، کارمزد و نقش آنان را مبنا قرار داده است. به بیان روشن‌تر، آنچه در این مصوبه دیده می‌شود، «سامان‌دهی واسطه‌گری» است، نه «پایان واسطه‌گری».

> **دولت احتمالاً با ملاحظات حقوقی، مالی و اجرایی ترجیح داده به جای حذف یکباره شرکت‌های پیمانکاری، ابتدا با محدود کردن سود، اعتبارسنجی شرکت‌ها و افزایش شفافیت، اصلاحات را به صورت تدریجی آغاز کند. این رویکرد البته می‌تواند بخشی از مشکلات موجود را کاهش دهد اما منتقدان معتقدند تا زمانی که رابطه استخدامی کارکنان از طریق شرکت‌های واسطه برقرار باشد، بخش مهمی از مشکلاتی مانند تفاوت در مزایا، امنیت شغلی، تبعیض و نارضایتی کارکنان همچنان پابرجا خواهد ماند**

اهمیت این نقد زمانی بیشتر می‌شود که ملاحظه کنیم بازتاب‌های رسانه‌ای و مواضع برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نظیر آقای مجید نصیرپور عضو کمیسیون اجتماعی مجلس نیز بر همین کاستی بنیادین تأکید کرده‌اند. در گزارش‌ها و اظهارات منتشرشده در روزهای اخیر در رسانه‌های کارگری، از جمله خبر منتشرشده در ایلنا، تصریح شده است که پرداخت مستقیم حقوق، به‌تنهایی مطالبه نیروهای شرکتی را محقق نمی‌سازد؛ زیرا تا زمانی که قراردادها و رابطه واسطه‌ای پابرجاست، مسئله اصلی همچنان باقی خواهد ماند.

در این اظهارات تاکید شده است که این مصوبه ممکن است با ایرادات حقوقی و قانونی مواجه شود و نتواند از هیات تطبیق قوانین مجلس عبور کند. این هم‌سویی میان نقد کارشناسی، مطالبه نیروی کار و دغدغه‌های حقوقی مطرح‌شده در مجلس، نشان می‌دهد که ایراد وارد بر مصوبه اخیر، صرفاً یک اعتراض موردی یا صنفی نیست، بلکه ناظر بر یک نقص ساختاری در فلسفه تنظیم‌گری آن است.

بر این اساس، اگر هدف دولت واقعاً اصلاح وضعیت نیروهای شرکتی و پایان دادن به تبعیض‌های انباشته‌شده در این حوزه است، لازم است در متن این آیین‌نامه بازنگری اساسی صورت گیرد. نخست آنکه ماده ۸ باید از یک حکم صوری و تدریجیِ فاقد ضمانت واقعی، به یک سازوکار الزام‌آور برای تبدیل رابطه نیروهای شاغل در مشاغل مستمر به قرارداد مستقیم تغییر یابد. دوم آنکه دامنه مجاز فعالیت شرکت‌های تأمین نیرو باید به‌صورت مضیق، شفاف و غیرقابل توسعه تفسیری محدود شود و به‌صراحت هرگونه تأمین نیرو برای مشاغل و فعالیت‌های مستمر دستگاه‌های اجرایی ممنوع اعلام گردد. سوم آنکه لازم است برای نیروهای دارای سابقه طولانی، به‌ویژه کارکنانی که بیش از پنج سال در یک دستگاه به‌صورت مستمر خدمت کرده‌اند، مسیر مشخص و فوری برای انعقاد قرارداد مستقیم پیش‌بینی شود. بدون چنین اصلاحاتی، مصوبه اخیر نه‌تنها به حل مسئله تاریخی نیروهای شرکتی منجر نخواهد شد، بلکه چه‌بسا به تثبیت شکلی جدید از همان روابط ناعادلانه گذشته بینجامد.

امروز مسئله نیروهای شرکتی صرفاً یک موضوع اداری یا مالی نیست؛ بلکه آزمونی برای سنجش صداقت سیاست‌گذاری در حوزه عدالت استخدامی، کرامت نیروی کار و وفاداری به وعده‌های رسمی داده‌شده به جامعه کار و تولید کشور است. هر تصمیمی که به‌جای حذف واسطه، صرفاً شکل فعالیت واسطه را تغییر دهد، از منظر نیروی کار، اصلاح واقعی تلقی نخواهد شد. انتظار می‌رود دولت با بازنگری در این مصوبه، مسیر تحقق استخدام مستقیم، کاهش تبعیض و پایان دادن به یکی از فرساینده‌ترین اشکال بی‌ثباتی شغلی در بخش عمومی را هموار سازد.

چرا تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی انجام نشد؟

پیگیری از سازمان استخدامی نشان می‌دهد تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی به دلیل موانع قانونی و حفظ مزایا انجام نشده است.

هم‌زمان با اجرای مصوبه اخیر هیات وزیران درباره ساماندهی نظام پرداخت نیروهای شرکتی، موضوع تبدیل وضعیت این کارکنان بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، سازمان اداری و استخدامی کشور در پاسخ به پیگیری‌های رسانه‌ای تأکید دارد که این مصوبه به معنای تبدیل وضعیت استخدامی نیروهای شرکتی نیست و صرفاً شیوه پرداخت حقوق و مزایا را اصلاح می‌کند.

بر اساس این مصوبه، پرداخت مستقیم حقوق و مزایای نیروهای شرکتی با هدف حذف واسطه‌ها، افزایش شفافیت مالی، صیانت از حقوق کارکنان و استقرار عدالت در نظام پرداخت انجام خواهد شد. دولت معتقد است این اقدام، ضمن کاهش نقش شرکت‌های واسطه، موجب می‌شود سهم بیشتری از منابع مالی به کارکنان اختصاص یابد.

نخستین دلیل، وجود موانع قانونی است. به گفته این سازمان، قوانین بالادستی اجازه تبدیل وضعیت گسترده نیروهای شرکتی را نمی‌دهد و این موضوع با احکام متعددی از جمله تبصره ماده ۳۲ قانون مدیریت خدمات کشوری، ماده ۱۰۴ قانون برنامه هفتم پیشرفت، ماده ۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری و بند «ب» ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری در تعارض است.

دلیل دوم نیز به تفاوت نظام حقوق و مزایای کارکنان مشمول قانون کار با کارکنان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری بازمی‌گردد. سازمان اداری و استخدامی معتقد است بسیاری از نیروهای شرکتی که تحت پوشش قانون کار فعالیت می‌کنند، در برخی موارد از مزایای بیشتری نسبت به کارکنان قراردادی دستگاه‌های اجرایی برخوردار هستند و تبدیل وضعیت آنها به قراردادهای مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری می‌تواند موجب کاهش برخی دریافتی‌ها و مزایای شغلی شود. بر این اساس، دولت به جای پیگیری تبدیل وضعیت، مسیر اصلاح نظام پرداخت را در دستور کار قرار داده است؛ اقدامی که به گفته مسئولان، با هدف تضمین حقوق کارکنان، حذف واسطه‌گری، افزایش شفافیت و استقرار عدالت در پرداخت‌ها طراحی شده و قرار است منابع مالی با نظارت بیشتر و به صورت مستقیم به نیروهای شرکتی پرداخت شود. به این ترتیب، اجرای مصوبه اخیر هیات وزیران را باید گامی در جهت اصلاح سازوکار پرداخت به نیروهای شرکتی دانست، نه تغییری در نوع رابطه استخدامی این کارکنان؛ موضوعی که همچنان نیازمند اصلاح قوانین و مصوبات بالادستی خواهد بود.

لازم به ذکر است، مهم‌ترین تغییر پیش‌بینی شده در آیین‌نامه جدید دولت، محدود شدن رقابت شرکت‌های پیمانکاری به حق مدیریت یا حاشیه سودی بین ۲ تا ۳ درصد مبلغ کل قرارداد است؛ موضوعی که به اعتقاد دولت می‌تواند از افزایش هزینه‌های واسطه‌گری جلوگیری کرده و سهم بیشتری از منابع قرارداد را به پرداخت حقوق و مزایای کارکنان اختصاص دهد. آیین‌نامه دولت اگرچه تلاش کرده با محدود کردن سود پیمانکاران و ایجاد سازوکارهای نظارتی، هزینه واسطه‌گری را کاهش دهد، اما اصل فعالیت شرکت‌های پیمانکاری را حفظ کرده است؛ موضوعی که به محور اصلی انتقاد نمایندگان مجلس تبدیل شده است.

برش

ساماندهی نیروهای شرکتی دست دولت است

طراح طرح ساماندهی نیروهای شرکتی، گفت: مانع اصلی اجرای این طرح، نبود قانون نیست، بلکه عدم همراهی دولت است؛ به‌گونه‌ای که اگر دولت موافقت خود را اعلام کند، مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مخالفت خود را کنار خواهد گذاشت.

عباس گودرزی درباره وضعیت ساماندهی نیروهای شرکتی و آخرین صحبت رئیس سازمان اداری و استخدامی مبنی بر این که انجام ساماندهی نیروهای شرکتی نیازمند قانون است، گفت: این موضوع را از مجلس دهم آغاز کردیم و سپس با استمرار آن این فرایند به مجلس یازدهم کشیده شد که نهایتاً پس از پیگیری‌های مفصل به نتیجه و تصویب رسید و نهایی شد. شورای نگهبان هم آن را تأیید کرد، اما هیات نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به آن ایراد گرفت. طراح طرح ساماندهی نیروهای شرکتی خاطرنشان کرد: مجلس هم بر مصوبه خود اصرار کرد و موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد. درنهایت، مجمع تشخیص مصلحت نظام مخالفت خود را با این مصوبه تثبیت کرد. این مخالفت هم به دلیل عدم همراهی دولت اتخاذ شد. وی تاکید کرد: شرط اصلی برای حل این مشکل، همراهی دولت است. اگر امروز دولت موافقت و همراهی خود را اعلام کند، قطعاً مجمع تشخیص مصلحت نظام هم مخالفت خود را برخواهد داشت. سخنگوی کمیسیون هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی گفت: بنابراین، توصیه می‌شود دولت، با توجه به اینکه رئیس جمهور محترم هم در این زمینه توییتی منتشر کرده‌اند و پیش از این هم موضوع را به‌طور مفصل با ایشان پیگیری کرده‌ایم، موافقت خود را اعلام کند. وی خاطرنشان کرد: این موضوع، برخلاف آنچه مخالفان مطرح می‌کنند، نه بار مالی دارد و نه موجب بزرگ‌تر شدن بدنه دولت می‌شود. این نیروها هم‌اکنون در دستگاه‌های اجرایی حضور دارند و از همان دستگاه‌ها هم بازنشسته می‌شوند.

نماینده مردم شهرستان بروجرد اظهار داشت: آنچه امروز با آن مواجه هستیم، نابسامانی در نظام اداری و استخدامی کشور است. حقوقی که این افراد دریافت می‌کنند، درواقع همان مبلغی است که از جیب کارگر پرداخت می‌شود، اما بخشی از آن به شرکت‌های واسطه اختصاص می‌یابد. با حذف شرکت‌های واسطه، همان مبلغ مستقیماً به خود کارگر پرداخت خواهد شد. وی با بیان اینکه متأسفانه این رویه، گرته‌برداری از الگوهای غربی است و موجب نقض غرض قانون‌گذار شده است، عنوان کرد: به این معنا که ماده ۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری با هدف کاهش هزینه‌ها، چابک‌سازی نظام اداری و افزایش رضایتمندی به تصویب رسید، اما امروز نه کاهش هزینه‌ای حاصل شده، نه کوچک‌سازی و چابک‌سازی محقق شده و نه انگیزه کارکنان افزایش یافته است؛ بلکه وضعیت کاملاً برعکس شده است.

این عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفت: اینکه پرداخت‌ها مستقیماً به ذی‌نفع نهایی انجام شود، اقدامی ارزشمند است، اما کافی نیست. شایسته است دولت همان مصوبه مجلس را همراهی کند تا اجرایی شود. اگر هم از نظر دولت خلأیی در این مصوبه وجود دارد، می‌تواند در قالب لایحه، نقطه‌نظرات خود را به مجلس ارائه کند. مجلس هم آمادگی کامل دارد تا این موضوع را در دستور کار خود قرار دهد.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید

■ دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۵ ■ ۱۹ صفر ۱۴۴۸ ■ ۳ August ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۵۲۲

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹
■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

Charsogh newspaper.com

اخبار

ریشه گرانی موبایل در بازار ایران چیست؟

بخشی از رشد قیمت در بازار تلفن همراه ناشی از افزایش بهای جهانی گوشی، رشد هزینه قطعات و تغییرات زنجیره تأمین است. هم‌زمان با افزایش قیمت تلفن همراه در بازار داخلی، برخی تحلیل‌ها علت اصلی این روند را کاهش واردات و محدودیت‌های ارزی عنوان می‌کنند؛ اما بررسی روند بازار جهانی نشان می‌دهد بخش جدی و غیرقابل چشم‌پوشی از رشد قیمت‌ها ریشه در تحولات بین‌المللی و افزایش هزینه تولید گوشی‌های هوشمند دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد طی ماه‌های اخیر قیمت جهانی بسیاری از مدل‌های تلفن همراه افزایش یافته است. یکی از مهم‌ترین عوامل این موضوع، رشد قیمت قطعات کلیدی به‌ویژه حافظه‌های ذخیره‌سازی (Memory) و افزایش هزینه تولید در زنجیره تأمین جهانی است؛ موضوعی که در برخی مدل‌ها به افزایش قیمت تا حدود ۴۰ درصد نیز منجر شده است. در کنار این مسئله، سرمایه‌گذاری گسترده شرکت‌های فناوری در حوزه هوش مصنوعی و انتقال بخشی از ظرفیت تولید صنایع نیمه‌هادی به این بخش، فشار مضاعفی بر زنجیره تأمین قطعات الکترونیکی وارد کرده و هزینه تولید محصولات دیجیتال از جمله تلفن همراه را افزایش داده است. پیامد این تحولات، کاهش تقاضا در بازار جهانی بوده است؛ به‌گونه‌ای که گزارش‌های بین‌المللی از افت قابل توجه فروش تلفن همراه نسبت به سال گذشته حکایت دارد. در بازار ایران نیز اگرچه طی ماه‌های اخیر قیمت گوشی افزایش یافته، اما فعالان بازار معتقدند این رشد صرفاً ناشی از کاهش واردات نیست. به‌ویژه در شرایط کنونی که در میانه مردادماه قرار داریم و بازار با رکود نسبی تقاضا مواجه است، شواهدی از کمبود فراگیر کالا در سطح عرضه مشاهده نمی‌شود و موجودی بسیاری از مدل‌ها همچنان در بازار قابل تأمین است. کارشناسان معتقدند در شرایطی که مدیریت منابع ارزی کشور در اولویت قرار دارد، تنظیم واردات برخی کالاها از جمله تلفن همراه امری قابل پیش‌بینی است، اما آمار موجودی بازار نشان می‌دهد افزایش قیمت‌های اخیر هم‌زمان با کمبود شدید عرضه، تحت تأثیر رشد قیمت‌های جهانی و افزایش هزینه تمام‌شده واردات قرار دارد.

سوء مدیریت فرصت ۵ هزار میلیارد تومانی را از بازنشستگان ربود

عدم انتخاب هیات مدیره جدید و از دست رفتن فرصت معافیت مالیاتی ۵ هزار میلیارد تومانی، سرمایه بازنشستگان تأمین اجتماعی وارتش را در هلدینگ خلیج فارس تهدید کرد. یکی از تلخ‌ترین صفحات جنگ تحمیلی اخیر، اقدام وحشیانه دشمن آمریکایی صهیونی در تخریب بخش‌هایی از صنعت پتروشیمی ایران بود، این حمله تبعاتی وسیع بر اقتصاد و بازار کشور داشته است و بازسازی تاسیسات آسیب‌دیده نیز نیازمند صرف زمان و هزینه بسیاری است. هنوز زخم حمله بمب‌های آمریکایی و اسرائیلی به صنعت پتروشیمی مرهم گذاشته نشده است که شاهد یک اتفاق تلخ و عدم النفع ۵ هزار میلیارد تومانی به صنعت پتروشیمی هستیم. داستان این عدم النفع که در هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس رخ داده است به دلیل اینکه سهام این شرکت درواقع اموال و دارائی‌های بازنشسته‌های ارتش و تأمین اجتماعی و کارگران نفت است و هر نوع خسارت به این اموال درواقع خسارت به بیت‌المال مسلمین و اتلاف مال عمومی است نیازمند توضیح صریح مسئولان دولت و ورود دستگاه قضا و نهادهای نظارتی است. این اتفاق شبیه این است که صد روز بعد از حمله به عسلویه، بمب‌های آمریکایی عمل نکرده در زیرساخت‌های انرژی و پتروشیمی کشور منفجر شده‌اند. برای درک بزرگی این عدد، خوب است بدانید که هزینه احداث و بازسازی پل بی۱ که در روز سیزده فروردین با حمله وحشیانه آمریکا تخریب شد ۲۵۰۰ میلیارد تومان است و درواقع خسارت ناشی از مدیریت غلط هلدینگ خلیج فارس چیزی معادل دو برابر خسارت آمریکا به پل استراتژیک مواصلاتی بی۱ به کشور خسارت زده است آن هم از جیب قشر شریف بازنشسته نیروهای مسلح و تأمین اجتماعی.

چه کسی باید پاسخ دهد؟

بر اساس قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها، شرکت‌های عضو بازار می‌توانند با رعایت مقرره‌های این قانون، از معافیت مالیاتی در صورت اقدام به افزایش سرمایه قانونی استفاده کنند. برآوردها نشان می‌داد در هلدینگ خلیج فارس امکان بهره‌مندی از ۵ همت معافیت مالیاتی وجود داشت؛ اما مسئله اینجاست که افزایش سرمایه این شرکت (که پیش‌نیاز استفاده از معافیت مالیاتی است) خود نیازمند یک پیش‌نیاز مهم است و آن انتخاب اعضای هیات مدیره جدید است. به تعبیری دیگر، استفاده از معافیت مالیاتی ۵ همتی، نیازمند افزایش سرمایه است و افزایش سرمایه در صورتی قانونی است که اعضای هیات مدیره جدید این شرکت انتخاب شده باشند. از طرفی مطابق اطلاعیه کدال، هفتم مرداد، آخرین مهلت هلدینگ خلیج فارس برای ثبت افزایش سرمایه خود بوده است. هفتم مرداد سپری شد و با توجه به اینکه به احتمال قوی نتایج مجمع افزایش سرمایه این شرکت مورد پذیرش بورس قرار نمی‌گیرد (سازمان بورس قبلاً در نامه‌ای نسبت به این اتفاق هشدار داده بود) عملاً این فرصت طلایی به غروبی غمبار تبدیل می‌شود. این رویه نه مسئله پیچیده و نه نیازمند دانش و تخصص خاصی بود. به نظر می‌رسد هر فردی با حد معمولی از آی کیو متوجه شود که با ابلاغ سازمان بورس و مطابق مقررات رایج، این شرکت باید ابتدا جلسه انتخاب اعضای هیات مدیره را برگزار می‌کرد و ساعتی بعد از انتخاب هیات مدیره جدید، از سهامداران درخواست افزایش سرمایه می‌کرد. ماجرا احتمالاً از اینجا شروع شده، بر اساس مکاتبات پیشین، سهامدار اصلی هلدینگ خلیج فارس (صندوق‌های بازنشستگی کارکنان نفت) نمایندگان جدیدی برای عضویت در هیات مدیره معرفی کرده بود و همین امر باعث می‌شد تا در انتخابات جدید مدیران قبلی با صندلی مدیریتی خود خداحافظی کنند. شاید همین موضوع از علاقه مدیران هلدینگ کاسته و باعث شده است تا علی‌رغم هشدار صریح سازمان بورس مبنی بر رعایت پیش‌نیاز افزایش سرمایه، آن‌ها جلسه نخست را نه به انتخاب اعضای هیات مدیره که به بررسی افزایش سرمایه اختصاص داده‌اند. گره بعدی هم در ادامه همین موضوع پیش می‌آید که چرا نمایندگان سهام عدالت و تأمین اجتماعی در مجمع انتخاب هیات مدیره حضور نیافته و باعث لغو این جلسه شده‌اند! آیا موضوعی مهمتر از منافع دارندگان سهام عدالت و بازنشسته‌های تأمین اجتماعی وجود داشته است؟ در این میان البته باید از پایمردی نمایندگان بازنشسته‌های کارگران نفت و نماینده بازنشسته‌های نیروهای مسلح هم به نیکی یاد کرد که با وجود رفتار مشکوک مدیران هلدینگ و زمان‌بندی نادرست جلسات، اما با هدف بهره‌مندی جامعه بازنشسته‌های نفت و نیروهای مسلح از برکات معافیت مالیاتی، در جلسه افزایش سرمایه حضور یافته و به این افزایش سرمایه نیز رأی مثبت دادند. اما صد افسوس که رویدادهای بعدی باعث بر باد رفتن این فرصت ارزشمند شد. با این وصف به نظر می‌رسد باید در میادین شهر به جز درخواست برای انتقام از آمریکا و اسرائیل، درخواست انتقام از برباد دهندگان سرمایه بازنشسته‌ها نیز مطرح شود چراکه خسارت مدیرانی که این اتفاقات را رقم زدند از خسارت بمب‌های آمریکایی و اسرائیلی به زیرساخت‌های ایران کمتر نیست.

قانون با کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای چه می‌کند؟

گزارش

واگذاری کارت بازرگانی به دیگران نه‌تنها ممنوع است، بلکه می‌تواند به ابطال کارت، جریمه‌های سنگین، مسئولیت تضامنی در بدهی‌های مالیاتی، گمرکی و ارزی و حتی پیگرد کیفری منجر شود. کارت بازرگانی یکی از مهم‌ترین مجوزهای فعالیت در تجارت خارجی است؛ مجوزی که بر اساس ماده ۳ قانون مقررات صادرات و واردات، شرط لازم برای انجام واردات و صادرات تجاری محسوب می‌شود. با این حال، طی سال‌های اخیر پدیده «کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای» یا «کارت‌های یکبار مصرف» به یکی از چالش‌های جدی نظام تجاری کشور تبدیل شده؛ موضوعی که علاوه بر ایجاد فرار مالیاتی، شکل‌گیری بدهی‌های ارزی و تضییع حقوق دولت، زمینه سوءاستفاده از افراد فاقد اهلیت را نیز فراهم کرده است.

به همین دلیل، قانون‌گذار در سال‌های اخیر با اصلاح مقررات و تشدید ضمانت‌های اجرایی، تلاش کرده است مسئولیت دارندگان کارت، صادرکنندگان و تمدیدکنندگان آن را شفاف‌تر کند و برای هرگونه واگذاری یا بهره‌برداری از کارت دیگران مجازات‌های سنگینی در نظر بگیرد. بر اساس بند ۳ ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات و اصلاحات مصوب سال ۱۴۰۳، دارندگان کارت بازرگانی به هیچ عنوان حق واگذاری کارت خود به اشخاص دیگر را ندارند. در صورتی که واگذاری کارت احراز شود، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، اتاق تعاون ایران و وزارت صنعت، معدن و تجارت اختیار دارند نسبت به تعلیق یا ابطال کارت اقدام کنند.

مسئولیت تضامنی در قبال بدهی‌های مالیاتی

یکی از مهم‌ترین تغییرات آیین‌نامه، تأکید بر مسئولیت تضامنی مسئولان صدور، تجدید و تمدید کارت بازرگانی است. مطابق تبصره ۳ بند ۳ ماده ۱۰ آیین‌نامه، دارنده کارت بازرگانی مطابق ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم مسئول پرداخت مالیات‌های مربوطه است؛ اما اگر مراجع صادرکننده کارت بدون رعایت الزامات قانونی نسبت به صدور یا تمدید کارت اقدام کرده باشند، آن‌ها نیز در قبال بدهی‌های مالیاتی مؤدی دارای مسئولیت تضامنی خواهند بود. همچنین در صورتی که از کارت بازرگانی شخص دیگری استفاده شود، مطابق ماده ۲۷۴ قانون مالیات‌های مستقیم امکان تعقیب کیفری نیز وجود دارد و علاوه بر آن، مقررات ماده ۱۸۲ همان قانون درباره اقدامات تأمینی و وصول مطالبات مالیاتی نیز اعمال خواهد شد.

از سوی دیگر، واردکننده نیز مطابق قانون امور گمرکی همچنان مسئول پرداخت حقوق ورودی و سایر حقوق قانونی مربوط به واردات خواهد بود؛ موضوعی که نشان می‌دهد مسئولیت‌های ناشی از تجارت خارجی صرفاً محدود به دارنده کارت نیست و سایر اشخاص ذی‌ربط نیز ممکن است در قبال تخلفات پاسخگو باشند.

مجازات‌های سنگین برای کارت‌های اجاره‌ای

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز در ماده ۳۳ مکرر ۲، هرگونه معامله، اجاره، خرید، فروش یا واگذاری کارت بازرگانی و همچنین بهره‌برداری از منافع کارت شخص دیگر را ممنوع اعلام کرده و برای آن مجازات‌های قابل توجهی در نظر گرفته است.

بر اساس این ماده، انتقال‌گیرنده یا بهره‌بردار از کارت بازرگانی علاوه بر ضبط کالا، به پرداخت جریمه نقدی معادل نصف ارزش کالا و پرداخت تضامنی خسارات وارده به دولت محکوم می‌شود. در مقابل، انتقال‌دهنده یا دارنده‌ای که کارت خود را در اختیار دیگران قرار داده است نیز علاوه بر ابطال کارت بازرگانی، باید جریمه‌ای معادل یک تا دو برابر منافع تحصیل‌شده پرداخت کرده و خسارات دولت را نیز به صورت تضامنی جبران کند.

حتی اگر واگذاری کارت پیش از انجام عملیات واردات یا صادرات شناسایی شود و معامله به ورود یا صدور کالا منتهی نشود، قانون برای هر یک از مرتکبان جریمه نقدی از ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلیون ریال، ابطال کارت بازرگانی و محرومیت از برخی حقوق اجتماعی و اقتصادی موضوع ماده ۶۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را پیش‌بینی کرده است. همچنین اجرای این مجازات‌ها مانع اعمال سایر مجازات‌های مقرر در قوانین دیگر نخواهد بود.

مسئولیت گمرک از کجا آغاز می‌شود؟

بر اساس قانون امور گمرکی، مسئولیت گمرک از زمان ورود کالا به اماکن گمرکی و آغاز تشریفات گمرکی شروع می‌شود. مطابق بند (ش) ماده یک این قانون، صاحب کالا شخصی است که اسناد خرید، حمل و ترخیص به نام او صادر شده یا از طریق نقل و انتقال قانونی به عنوان مالک شناخته می‌شود و می‌تواند شخصاً یا از طریق نماینده قانونی نسبت به اظهار کالا اقدام کند.

از این رو، گمرک صرفاً وظیفه انجام تشریفات قانونی، کنترل اسناد، وصول حقوق ورودی و صدور مجوز ترخیص را بر عهده دارد و تشخیص اینکه کارت بازرگانی بر اساس مصادیق ماده ۳۳ مکرر ۲ به صورت اجاره‌ای یا غیرقانونی واگذار شده است، اساساً در فرآیند عادی اظهار کالا برای مأموران گمرک امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، در صورت مشاهده قرائن و شاخص‌های مشکوک، گمرک موضوع را برای بررسی بیشتر به وزارت صنعت، معدن و تجارت و واحدهای استانی ذی‌ربط اعلام می‌کند.

شاخص‌های شناسایی کارت‌های مشکوک

بر اساس دستورالعمل‌های ابلاغی به گمرکات اجرایی، استفاده هم‌زمان از یک کارت توسط حق‌العمل‌کاران یا نمایندگان متعدد، اظهار کالا در گمرکات مختلف کشور با یک کارت، استفاده از یک کارت برای واردات یا صادرات کالاهای متعلق به فصول تعرفه‌ای کاملاً متفاوت، استفاده از کارت در استان یا منطقه‌ای غیر از محل صدور آن و اعطای وکالت به کارگزارانی که سابقه همکاری با بدهکاران مالیاتی، گمرکی یا ارزی دارند، از جمله مهم‌ترین شاخص‌هایی است که می‌تواند احتمال اجاره‌ای بودن یا سوءاستفاده از کارت بازرگانی را تقویت کند.

این موارد به تنهایی تخلف محسوب نمی‌شوند، اما می‌توانند مبنای بررسی‌های تکمیلی دستگاه‌های مسئول قرار گیرند.

هشدار سازمان بازرسی درباره تعهدات ارزی

هم‌زمان با تشدید نظارت‌ها، رئیس سازمان بازرسی کل کشور نیز نسبت به تبعات صدور و استفاده از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای هشدار داده و اعلام کرده است که در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از مشکلات مربوط به ایفای تعهدات ارزی، ناشی از صدور کارت‌های بازرگانی بدون اهلیت‌سنجی و واگذاری آنها به افراد غیرمرتبط بوده است.

به گفته وی، دارندگان کارت بازرگانی باید نسبت به تمامی فعالیت‌های انجام‌شده با کارت خود، از جمله تعهدات ارزی، مالیاتی و گمرکی، پاسخگو باشند و واگذاری کارت به اشخاص دیگر نه تنها مسئولیت صاحب کارت را از بین نمی‌برد، بلکه می‌تواند تبعات سنگین مالی، اداری و حتی کیفری برای وی به همراه داشته باشد.

> **واردکننده نیز مطابق قانون امور گمرکی همچنان مسئول پرداخت حقوق ورودی و سایر حقوق قانونی مربوط به واردات خواهد بود؛ موضوعی که نشان می‌دهد مسئولیت‌های ناشی از تجارت خارجی صرفاً محدود به دارنده کارت نیست و سایر اشخاص ذی‌ربط نیز ممکن است در قبال تخلفات پاسخگو باشند**

مجموع این مقررات نشان می‌دهد رویکرد دستگاه‌های اجرایی و نهادهای نظارتی از مقابله با تخلفات موردی فراتر رفته و به سمت مسئولیت‌پذیر کردن تمامی حلقه‌های زنجیره صدور و استفاده از کارت بازرگانی حرکت کرده است. از این منظر، اهلیت‌سنجی متقاضیان، نظارت دقیق بر فرآیند صدور و تمدید کارت‌ها و جلوگیری از شکل‌گیری کارت‌های اجاره‌ای، نه تنها به کاهش فرار مالیاتی و تخلفات گمرکی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند نقش مؤثری در ساماندهی تجارت خارجی و کاهش پرونده‌های مرتبط با تعهدات ارزی ایفا کند.

پشت پرده تراستی‌های آلوده یک جریان است نه یک مدیر

عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، با تأکید بر اینکه پرونده تراستی‌های نفتی در کمیسیون اصل ۹۰، قوه قضاییه، دادستانی کل کشور و سازمان بازرسی در حال بررسی است، گفت: بازنگشتن پول نفت و تخلفات رخ‌داده در این حوزه نمی‌تواند حاصل عملکرد یک فرد باشد و بدون بده‌بستان و هماهنگی میان حلقه‌های مختلف در فرآیند انعقاد قراردادها، انتخاب تراستی‌ها و اجرای آنها، چنین غارتی امکان‌پذیر نبوده است؛ موضوعی که به گفته او مستلزم شناسایی و محاکمه همه عوامل دخیل است.

مجید دوستعلی، عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، در گفت‌وگو با ایلنا درباره رسیدگی به پرونده تراستی‌ها عنوان کرد: آنچه در موضوع تراستی‌ها اتفاق افتاده، از سوی کمیسیون اصل ۹۰ بررسی شده و در قوه قضاییه نیز این موضوع مورد رسیدگی قرار گرفته است. دادستان کل کشور و سازمان بازرسی نیز به این پرونده ورود کرده‌اند.

وی افزود: اصل کار این بوده که تراستی‌ها به کشور کمک کنند تا بتوانیم تحریم‌ها را دور بزنیم و قاعدتاً در شرایطی که کشور تحت تحریم قرار دارد و نمی‌توانیم نفت خود را به‌صورت مستقیم به فروش برسانیم، افرادی در نقش معامله‌گر وارد می‌شوند و در قبال خدمتی که ارائه می‌دهند، در چارچوب مقررات و قواعد، حق‌العمل دریافت می‌کنند.

دوستعلی ادامه داد: بنابراین فلسفه اصلی فعالیت تراستی‌ها همین بوده است، اما آنچه امروز رخ داده، این است که این مسیر در مواردی درست پیش نرفته، البته به این معنا نیست که همه تراستی‌ها به یک شکل عمل کرده‌اند؛ برخی از آنها درست عمل کردند و تا آخرین سنت پول نفت را پرداخت کردند. به هر ترتیب، فردی که چنین کاری را انجام می‌دهد، یک سری هزینه‌ها را نیز متحمل می‌شود و این هزینه‌ها باید در چارچوب قاعده، قانون و ضابطه پرداخت شود.

دوستعلی تأکید کرد: امروز شاهد ورود تراستی‌هایی هستیم که علی‌رغم این قواعد، پول نفت کشور را تحویل نداده‌اند و سؤال این است افرادی که تراستی‌ها را انتخاب می‌کنند، چرا بر اساس ملاک‌های درست این کار را انجام نداده‌اند؟ قواعد و مقررات قراردادهایی که میان تراستی‌ها و دستگاه‌هایی که آنها را انتخاب می‌کنند منعقد می‌شود، باید بسیار محکم باشد تا امکان سوءاستفاده از آن وجود نداشته باشد.

وی افزود: اساساً این مسائل جزو مقدمات و بدیهیات است و قطعاً باید در یک محکمه عادلانه و به دور از هرگونه فضاسازی به این موضوع رسیدگی شود و هر کسی که در این زمینه مرتکب تخلف شده است، باید پاسخگو باشد؛ حال متخلفان هر کسی که می‌خواهد باشد.

دوستعلی در پاسخ به این سؤال که گفته می‌شود در بحث تراستی‌هایی که میلیاردها دلار پول نفت را پس نداده‌اند، موضوع فقط دزدی و غارت منابع ملی نبوده و این سوءاستفاده فراتر از یک دزدی بوده که نتیجه آن خالی شدن ذخایر ارزی کشور، افزایش نرخ دلار در یک مقطع، نارضایتی مردم و رقم خوردن اتفاقات دی‌ماه بوده است و اینکه گفته می‌شود برخی تراستی‌هایی که چنین اقداماتی انجام داده‌اند، امروز ردی از آنها نیست و ضمانت‌نامه‌ای نیز بابت تحویل پول نفت کشور ارائه نکرده‌اند، گفت: قطعاً کسانی که قراردادها را منعقد کرده‌اند، اگر در این کار تعلل کرده‌اند، باید پاسخگو باشند و سراغ آنها رفته‌ایم و خواهیم رفت. بنده سال‌ها در امور قضایی فعالیت داشته‌ام و اطمینان دارم که تا زمانی که بده‌بستان‌ها و هماهنگی‌هایی میان افرادی که قرارداد را منعقد و تنظیم کرده‌اند، کسانی که تراستی‌ها را انتخاب کرده‌اند و تراستی‌هایی که امروز پول نفت را بازنمی‌گردانند و می‌گویند «من دیگر ضمانتی ندارم»، وجود نداشته باشد، چنین اتفاقی رقم نمی‌خورد.

عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس افزود: امروز کشور ما برای بحث کالابرگ، معیشت مردم و راه‌اندازی امور مردمی که با وجود همه مشکلات، این همه پای کار نظام و انقلاب ایستاده‌اند، محتاج چندین میلیون دلار است؛ اما در عین حال می‌بینیم چند صد میلیون دلار پول نفت به کشور بازنمی‌گردد. این موضوع اصلاً قابل هضم نیست.

وی گفت: معتقدم در پرونده تراستی‌ها موضوع یک شخص یا یک مدیر نیست. آنچه درباره تراستی‌ها مطرح بوده، این است که آنها در شرایط تحریم به کشور کمک کنند. در این میان، بسیاری از افراد این اقدام را بر اساس قانون و قاعده انجام داده‌اند، اما یک گروه و جریان نیز وجود دارد که باید ردیابی و شناسایی شوند. دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی باید این افراد را شناسایی کنند و سیستم قضایی نیز باید آنها را محاکمه کند.

وی ادامه داد: کسانی بودند که در این زمینه سوءاستفاده کردند و این سوءاستفاده تنها مربوط به یک فرد یا یک مدیر نیست، بلکه روندی داشته است. یکی از تراستی‌ها گفته است: «ضمانت‌نامه‌ای نداده‌ام برای اینکه پاسخگو باشم.» سؤال مهم این است؛ آن کسی که باید ضمانت‌نامه را می‌گرفت، چرا نگرفته است؟

عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس تأکید کرد: درواقع باید به این فرآیند رسیدگی شود و این فاجعه نمی‌تواند کار یک فرد باشد. آن‌هایی که تخلفی انجام داده‌اند، قطعاً باید پاسخگو باشند و محاکمه آنها حق ملت ایران است.

دوستعلی با بیان اینکه تراستی‌ها اقتصاد کشور را هدف قرار داده‌اند، اظهار داشت: دشمن پیش از جنگ ۴۰ روزه، جنگ اقتصادی علیه ما را آغاز کرده بود. قطعاً کسی که از روی غرض و مرض پول نفت کشور را بازنگردانده است با دشمن همکاری کرده است و باید پاسخگو باشد.

وی درباره اینکه گفته می‌شود موضوع تراستی‌ها یک پرونده نفوذ بوده و می‌توان رد آن را در اتفاقات دی‌ماه مشاهده کرد، گفت: بله دقیقاً همان زمان هم به دولت گفته شد که اگر تراستی‌ها پول نفت را برگردانند، نرخ دلار را می‌توان مدیریت کرد و می‌توان جلوی افزایش قیمت‌ها را گرفت.

عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس افزود: در وقوع آن مسئله در ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، در حقیقت فرآیندی طی شد. مردم به افزایش قیمت ارز و گرانی‌ها اعتراض می‌کردند و حتی امام شهید ما فرمودند که مردم حق اعتراض به این مسائل را دارند. معتقدم آن افزایش قیمت‌ها برنامه‌ریزی‌شده بود. در این موضوع شکی نیست که کسانی عمداً کاری کرده‌اند که خزانه ارزی ما خالی شده و دولت مجبور باشد اقدامات دیگری انجام دهد.

وی ادامه داد: اگر آن ارزی که ما در خارج از کشور داشتیم، در زمان مقرر به دست دولت می‌رسید و وارد شبکه اقتصادی کشور می‌شد، چه بسا مشکلات اقتصادی سال ۱۴۰۴ به وجود نمی‌آمد و آن اتفاق دی‌ماه هم رقم نمی‌خورد.

دوستعلی با اشاره به مشکل کشور پیش از اتفاقات دی‌ماه، در پرداخت پول واردکنندگان کالاهای اساسی در سال گذشته و رشد قیمت کالاهای اساسی که به دلیل ناتوانی نیکو در پرداخت ارز به وزارت جهاد کشاورزی بوده است، تأکید کرد: بعید نیست که تمام این موضوعات پروژه نفوذ و براندازی بوده باشد. آن دشمنی که با ما جنگ وجودی دارد، می‌گوید ایران باید تسلیم ما شود و آن دشمنی که به قول حضرت آقای شهید ما دنبال بلعیدن ماست، از هر راهی استفاده می‌کند تا ضربه خود را بزند و این اقدام، جنگ ترکیبی بود.

عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس گفت: باید توجه داشت که درآمد کشور متکی به پول نفت است و دشمن هم از راه پول نفت وارد شد و در قالب پروژه تراستی‌ها، جریان بازگشت پول نفت به کشور را تضعیف کرد و اقتصاد کشور و معیشت مردم را هدف گرفت.

وی با بیان اینکه هر کسی که مسئول این کار بوده باید پاسخگو باشد، تأکید کرد: هر کسی در وزارت نفت، بانک مرکزی و نهادهای دیگر که متولی بوده است، باید پاسخگو باشد.

دوستعلی با تأکید بر اینکه پروژه تراستی‌ها یک چرخه بوده است، اظهار داشت: خود وزارت نفت در این زمینه نقش دارد، بانک مرکزی نقش دارد و قطعاً این جریان با یک مدیر یا دو نفر در یک سازمان پیش نمی‌رود و قطعاً جریانی در آن دخیل بوده است.

عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس با بیان اینکه در دو سال اخیر شاهد ورود تراستی‌هایی هستیم که پول نفت کشور را پس نداده‌اند، تأکید کرد: این موضوع بستگی به نوع قرارداد، نوع همکاری و نوع مدیریت دارد؛ اما در همین یک یا دو سال اخیر شاهد آن هستیم که تراستی‌ها پول نفت را پس نمی‌دهند. اگر هم پیش از این چنین اتفاقی رخ داده، بسیار جزئی بوده است، اما در دو سال اخیر است که شاهد این اتفاق در فروش نفت هستیم.

وی درباره همکاری بانک‌های عامل کشور با تراستی‌ها در موضوع خالی خوانی و اینکه چگونه از یک کانال رسمی این تخلفات و غارت ملی رخ داده است، گفت: به همین دلیل است که می‌گوییم پروژه تراستی‌ها یک چرخه بوده و همه این کانال‌های رسمی می‌توانند در بروز این فاجعه دخیل باشند. قطعاً یک نفر در یک شرکت یا سازمان از عهده این تخلف و غارت برنمی‌آید و جایی که باید به این موضوع رسیدگی کند، باید تمام جوانب را بررسی کند.

دوستعلی در ادامه با اشاره به موضوع ضمانت‌نامه‌های تراستی‌ها اظهار داشت: موضوع مهم این است که دیده می‌شود با عده‌ای که از آنها ضمانت گرفته نشده و در مدت‌زمان مقرر پول را پس نداده‌اند، دوباره همکاری با آنها ادامه پیدا کرده است. افراد مسئول باید پاسخگو باشند که چرا دوباره با این افراد همکاری شده است؟